

تأثیر برنامه‌های آموزش خانواده بر تقویت تفکر انتقادی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تهران دکتر فریبا حنیفی^۱ دکتر غلام حسین حیدری تفرشی^۲ عاطفه سوهانی^۳

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی است که هدف از انجام آن تعیین تأثیر برنامه‌های آموزش خانواده بر تفکر انتقادی دانش آموزان ابتدایی شهر تهران بود. روش تحقیق توصیفی از نوع علی مقایسه ای بود که با استفاده از فرمول برآورد نمونه بر مبنای جدول تعیین حجم نمونه کرجسی مورگان از بین جامعه آماری ۳۸۸۲۶۱ نفر ۳۵۷ نفر به عنوان نمونه آماری به صورت تصادفی و خوشه‌ای تک مرحله‌ای انتخاب شد. ابزاراندازه‌گیری پرسشنامه محقق ساخته بود که در دو بخش تنظیم شد. بخش اول مربوط به آموزش خانواده که شامل ۵ سوال و بخش دوم مربوط به تفکر انتقادی که شامل ۳۲ سوال بود. برای تدوین آن مبانی نظری و تحقیقاتی به دقت مطالعه و تعداد ۴۰ زیر مؤلفه استخراج و پس از مشاوره با افراد صاحب نظر (۱۰ نفر)، ۴ مؤلفه اصلی با عنوان پرسشگری (جستجوگری)، ارزشیابی (استدلال‌گری)، خود تنظیمی (خود کنترلی) و شک‌گرایی (خود جهت دهی) در ۳۲ زیر مؤلفه تدوین شد و از نظر استاد مشاور و راهنما روایی آن نیز تأیید شد و پایایی آن با ضریب ۰/۸۷۳ برای بخش آموزش خانواده و با ضریب ۰/۸۱۲ برای بخش تفکر انتقادی از طریق ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. پس از استخراج اطلاعات داده‌ها جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به نظر والدین نتایج نشان داد...

۱. استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ایران hanifi@riau.ac.ir.

۲. استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن. ایران Dr.heydaritafreshi@yahoo.com.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن. ایران Nona428@yahoo.com.

برنامه‌های آموزش خانواده بر بهبود تفکر انتقادی و پرسش‌گری (جست‌وجو‌گری) و استدلال‌گرایی (ارزشیابی) و خودتنظیمی (خودکنترلی) دانش‌آموزان تأثیر دارد و بر خودجهت‌دهی (شک‌گرایی) دانش‌آموزان تأثیر ندارد.

واژگان کلیدی: برنامه‌های آموزش خانواده، تفکر انتقادی، استدلال‌گرایی، پرسشگری، ارزشیابی، خودتنظیمی، شک‌گرایی

مقدمه

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد در تاریخ فرهنگ و تمدن انسانی است و اولین مدرسه‌ای است که انسان‌ها در آن تعلیم می‌یابند و شخصیت هر فرد در خانواده شکل می‌گیرد. روابط عاطفی والدین با فرزندان خود اهمیت خانواده و نقش آن را روشن می‌سازد. در مجموع می‌توان گفت که خانواده چیزی بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی خاص به سر می‌برند. خانواده یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی خاص خود را دارد. این نظام اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد و اصول را دارا و برای اعضای خود نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند. علاوه بر این، خانواده از یک ساخت نظامدار قدرت برخوردار است، صورت‌های پیچیده‌ای از پیام‌رسانی‌های آشکار و نهان را به وجود می‌آورد و روش‌های مذاکره و مسأله‌گشایی مفصلی در اختیار دارد که به آن اجازه می‌دهد تا تکالیف مختلفی را با موفقیت به انجام برساند (گلدنبرگ، ۱۹۹۹). رابطه اعضای این خرده فرهنگ رابطه‌ای عمیق و چند لایه‌ای است که عمدتاً براساس تاریخچه مشترک، ادراکات و فرض‌های مشترک و درونی شده راجع به جهان و اهداف مشترک بنا نهاده شده است. در چنین نظامی افراد به وسیله علایق و دل‌بستگی‌های عاطفی نیرومند دیرپا و متقابل به یکدیگر متصل شده‌اند که حتی انقلاب صنعتی و دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی نیز نتوانسته روابط عمیق افراد خانواده را دچار اختلال کند (سلیمانی، ۱۳۸۸).

دوران کودکی سال‌های سرنوشت‌ساز برای پرورش شخصیت و به تبع آن محیط خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین پرورشگاه مورد توجه و بررسی پژوهشگران متعددی (سلیمانی، ۱۳۸۸؛ سیف، ۱۳۸۶) قرار گرفته است. رویکرد نظریه پردازان به مسأله تأثیر محیط و عوامل محیطی بر پرورش و رشد قوا و استعداد‌های انسان و اهمیت این عوامل در دوران کودکی مسأله آموزش والدین را به عنوان پلی برای ورود فرزندان از محیط بسته و تحت کنترل خانواده بر جامعه متنوع و بزرگ انسانی است که در مسیر تلاش برای آموزش خانواده قرار گرفته است. چون تربیت کودکان

جز زنجیره ارتباط بین عناصر آموزشی (مدیر، معلم، معاون) و والدین (پدر و مادر) تعریف می‌شود. لازم است نخستین کوشش‌ها در جهت آموزش والدین از مدرسه آغاز شود. با توجه به این که منحنی خلاقیت بسیاری از کودکان در حدود ۱۰ سالگی افت می‌یابد و آنان هرگز خلاقیت دوره اولیه کودکی را باز نخواهند یافت. راه‌های پرورش آن باید در برنامه‌های آموزش ابتدایی نهادینه شود. روش‌های رایج در آموزش‌های کشور معمولاً مانع کنجکاوی و خلاقیت و نقادی است و در برنامه‌های آموزشی فرصتی برای خلاقیت و تفکر انتقادی وجود ندارد. تفکر انتقادی باید از همان کودکی در کانون خانواده به فرد آموزش داده شود و در دوران ابتدایی کامل شود (عباسی نیا، ۱۳۸۱).

تاریخچه تفکر انتقادی و علاقه به توسعه توانایی‌های تفکر انتقادی در محافل آموزشی پدیدۀ جدیدی نیست. منشأ چنین علاقه‌ای به آکادمی افلاطون برمی‌گردد. ریشه‌های خردمندانۀ تفکر انتقادی قدمتی دیرینه دارد، روش تدریس و دیدگاه سقراط^۱ در ۲۵۰۰ سال قبل مؤید این مطلب است. سقراط این حقیقت را بیان کرده است که شخص نمی‌تواند برای دستیابی به دانش و بصیرت عقلی به کسانی که دارای اقتدار هستند، متکی باشد. سقراط اهمیت پرسش‌سوالات عمیق را که موجب می‌شوند انسان قبل از پذیرش ایده‌ای به تفکر در آن بپردازد و نیز اهمیت جست‌وجوی شواهد، آزمایش دقیق، استدلال، فرضیه‌ها و تحلیل مفاهیم اساسی را نشان داد. روش او که اینک به پرسش و پاسخ سقراطی معروف است، بهترین راهبرد آموزش تفکر انتقادی است که در آن سقراط نیاز به تفکر را برای روشنی و استحکام منطق به طور مشخص نشان می‌دهد. روش سقراط به وسیله افلاطون و ارسطو دنبال شد در قرون وسطی سنت تفکر انتقادی نظام دارد و نوشته‌ها و متفکرانی همچون توماس اکیناس^۲ ظاهر شد. در دوران رنسانس^۳ در اروپا تفکر انتقادی در مورد مذهب، هنر، جامعه طبیعت انسانی، قانون و آزادی آغاز شد. سکولارها^۴ با این فرضیه پیش رفتند که بیشتر حوزه‌های زندگی انسان نیازمند بررسی و تحقیق تحلیلی و انتقادی می‌باشد. در این میان چهار خصیصه برای تفکر نقاد که شامل دانش تعقل، مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی لازم برای تعقل، دانشی که مرتبط با مسئله یا سؤال تحت بررسی است و دانشی که مرتبط با مسئله یا سؤال تحت بررسی است که طرح می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۸۰).

هدف از پرورش تفکر انتقادی یعنی پرورش افرادی که اهل تحقیق و بررسی هستند، نه افرادی

1. Socrate
2. Thomas Aquinas
3. Renaissance
4. Suecular

که آنچه به آن‌ها گفته می‌شود، قبول کنند. تفکر انتقادی هنر در اختیار گرفتن ذهن خود است. تفکر انتقادی به معنای خود جهت دهی، شک‌گرایی (خود جهت دهی)، خود تنظیمی (خود کنترلی)، پرسشگری (جست و جوگری)، ارزشیابی (استدلال‌گرایی)، خودتصمیمی تفکراست و باعث تصمیم‌گیری در فرد می‌شود (عباسی، ۱۳۸۰).

از طرف دیگر یکی دیگر از امکانات که بر بینش و یادگیری والدین می‌افزاید، شرکت در کلاس‌های آموزشی اولیاء است. آگاهی والدین و معلمان از اثرات سودمند روحیه پرسشگری و نقد کردن مسائل به خاطر نفوذ معنوی بیشترشان بر دانش آموزان تأثیر بسیار مهمی در تقویت این مهارت پسندیده دارد. والدین مطلع و آگاه اهمیت پرسش‌های کودکان و فرزندان خود را می‌دانند. بنابراین برنامه‌های آموزش خانواده و کلاس‌های آموزش خانواده می‌تواند در این زمینه نیز مشکل‌گشا بوده و نگرش والدین را نسبت به ایجاد و تقویت روحیه نقد و پرسش‌گری تغییر دهد و نقش کلیدی آن را در این زمینه افزایش دهد.

نتایج تحقیقات و مطالعات محققان و صاحب‌نظران گوناگون (حسن پور، ۱۳۸۷؛ صفدری بهار، ۱۳۸۶؛ فقهی، ۱۳۸۵؛ نصری، ۱۳۸۴؛ موسوی زاده، ۱۳۸۱) اهمیت و تأثیر آموزش خانواده بر تربیت کودکان تأکید کرده‌اند که به اهم نتایج آن‌ها اشاره می‌شود. مانند نتایج پژوهش حسن پور (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان در شهرستان سر دشت» نشان داد که: آموزش خانواده توانسته است بر تغییر نگرش مادران در خصوص مسائل آموزشی (ناهنجاری‌های رفتاری، ناتوانایی‌های یادگیری و ارتباط خانه و مدرسه) و مسائل تربیتی (تربیت دینی و اخلاقی، تربیت جنسی و تربیت عاطفی اجتماعی) فرزندان مؤثر باشد.

- صفدری بهاء (۱۳۸۶) در پژوهشی که با عنوان «عوامل مؤثر در جذب والدین به کلاس‌های آموزش خانواده از دیدگاه والدین و مدرسان آموزش خانواده» در شهرستان همدان انجام شد که نتایج نشان داد؛ در خصوص کاربردی بودن دوره‌های آموزش خانواده و میزان جذب والدین به این دوره‌ها، نتایج از لحاظ آماری معنادار بود. بین میزان تسلط مدرسان بر موضوعات مورد تدریس، در کلاس‌های آموزش خانواده و میزان جذب والدین به این دوره‌ها، نتایج رابطه معناداری را نشان داد و در نهایت بین سازگار نمودن زمان ارائه آموزش‌ها و اوقات فراغت والدین و میزان جذب آن‌ها رابطه معناداری به دست آمد.

- فقهی (۱۳۸۵) در تحقیقی «بررسی تأثیر آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به رفتار با فرزندان در مدارس راهنمایی دخترانه شهرستان بهبهان» انجام داد و به این نتیجه رسید

که برنامه‌ی آموزش خانواده که به شکل سنتی و با استفاده از شیوه سخنرانی، بدون توجه به معیارهای لازم برای برنامه ریزی آموزش بزرگسالان صورت می‌گیرد، نمی‌تواند به اهداف آموزشی خود که تأثیر بر نگرش و ایجاد آمادگی برای عمل در مادران است، دست یابد، به نظر می‌رسد که برنامه‌ی آموزش خانواده در برنامه ریزی، طراحی، اجرا و ارزشیابی نیاز به بازنگری دارد. - نصری (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی دیدگاه‌ها و نگرش‌های والدین دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی در خصوص کلاس‌های آموزش خانواده در شهر تهران به این نتیجه رسید که به نظر اغلب والدین دانش آموزان در مورد جنبه‌های مختلف کلاس‌های آموزش خانواده مثبت بوده است و آن‌ها را در حد زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند.

نتایج پژوهش موسوی زاده (۱۳۸۱) با عنوان بررسی میزان اثر بخشی کلاس‌های آموزش خانواده در استان اردبیل و عوامل مؤثر بر آن نشان داد:
- برنامه‌های آموزش خانواده توانسته است میزان آگاهی و اطلاعات اولیای آموزش دیده را بالا ببرد.

- برنامه‌های آموزش خانواده در شناساندن مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان به والدین موفق بوده است.

- دوره‌های آموزش خانواده باعث جلب مشارکت و همکاری اولیاء و مسولان مدرسه شده است.
- گاوینکتون^۱ (۲۰۱۱) در تحقیقی که بر روی دانش آموزان دوره متوسطه انجام داد، به این نتیجه رسید: دانش آموزانی که نمره رهبری بالایی دارند، قدرت تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی بالایی نیز دارند. واجد روابط مستحکمی با دیگران هستند.

- ماریامانس^۲ (۲۰۱۰) با انجام پژوهشی تحت عنوان تصمیم‌گیری منطقی و تفکر انتقادی به این نتیجه رسیدند که نشانه افراد با هوش توانایی آن‌ها در کنترل عواطف و کاربرد منطقی است. متفکران انتقادی عواطفشان را می‌شناسند و درک می‌کنند که چگونه این عواطف می‌تواند بر تصمیماتشان تأثیر گذارد. هنگامی که عواطف ماورای فرآیندهای تصمیم‌گیری به کار گرفته شوند، تصمیم‌گیری فرآیند آگاهانه و نظام مند است که به نظر می‌رسد که هیچ جایی را برای احساسات نمی‌گذارد.

- گلندان^۳ (۲۰۱۰) در تحقیقی در خصوص رابطه بین جایگاه تفکر انتقادی و خودکار آمدی با علاقه به کار در پرستاران با استفاده از تست تفکر انتقادی کالیفرنیا و ابزار درجه بندی کار

1. . Gavinkton
2. . Marya Manes
3. . Golendan

آمدی، تأثیرات متغیرهای مستقل تفکر انتقادی و خودکارآمدی را بر میزان و چگونگی کار باعلاقه در پرستاران مورد بررسی قرار دادو به رابطه معناداری بین این دو رسید.

- کوتیادامو جوزف (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان تفکر انتقادی در آموزش برتر، تأثیر شیوه‌های آموزش از طریق همکاری همتایان در یادگیری علوم و ریاضیات انجام داد. نتایج حاصل نشان داد که از طریق همکاری همتایان به تغییرات مهم و مؤثری در رشد مهارت‌های تفکر انتقادی دانش آموزان می‌انجامد و این شیوه در آموزش علوم و ریاضیات نیز مؤثرند.

وجود تحقیقات گوناگون از جمله مواردی که ذکر شد بیانگر اهمیت تحقیق در حوزه برنامه‌های آموزش خانواده بوده و چون بهبود تفکر انتقادی دانش آموزان از اهمیت خاص برخوردار است؛ بنابراین پژوهشگر با انجام پژوهش حاضر تفکر انتقادی را به عنوان متغیر وابسته انتخاب نموده و درصد درآمد تا میزان تأثیر برنامه آموزش خانواده شامل سخنرانی، انتشار کاتالوگ‌ها و مجلات را بر تفکر انتقادی دانش آموزان شامل شک‌گرایی (خود جهت دهی، ارزشیابی (استدلال گری)، خودتنظیمی (خودکنترلی)، پرسشگری (جست و جوگری) را بیازماید و به روش علمی به سوالات زیر پاسخ دهد که عبارتند از:

- ۱- تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر تفکر انتقادی دانش آموزان تأثیر دارد؟
 - ۲- تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر شک‌گرایی (خود جهت دهی) دانش آموزان تأثیر دارد؟
 - ۳- تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر ارزشیابی (استدلال گری) دانش آموزان تأثیر دارد؟
 - ۴- تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر خود تنظیمی (خودکنترلی) دانش آموزان تأثیر دارد؟
 - ۵- تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر پرسشگری (جست و جوگری) دانش آموزان تأثیر دارد؟
- روش شناسی پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده توصیفی از نوع علی مقایسه ای بود. تو صیفی زیرا در مورد متغیرها آنچه که هست، مورد بحث و بررسی قرار داد، و به بررسی متغیرها در زمان حال پرداخت و علی مقایسه ای، زیرا به مقایسه میانگین دو گروه از والدینی که آموزش خانواده دیده اند، با گروه که آموزش خانواده ندیده اند، پرداخت. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه والدین دانش آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در مقاطع ابتدایی شهر تهران بود که تعداد آن‌ها ۳۸۸۲۶۱ نفر می باشد.

نمونه آماری این پژوهش با توجه به جامعه آماری به دست آمد، که این تعداد به صورت تصادفی با استفاده از فرمول برآورد نمونه، جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان ۳۵۷ نفر

از بین جامعه آماری نفر ۳۸۸۲۶۱ محاسبه شد. در پژوهش حاضر روش جمع آوری اطلاعات، در فصل اول و دوم و قسمتی از فصل پنجم کتابخانه ای بود که با مراجعه به دانشگاه‌ها، سایت‌ها، مجلات معتبر، کتب و اسناد مختلف درباره آموزش خانواده و تفکر انتقادی اطلاعات جمع آوری و مورد مطالعه قرار گرفت و میدانی از طریق توزیع پرسشنامه در حوزه طبیعی مدارس در اختیار دانش آموزان قرار گرفت تا آن‌ها را در اختیار والدین قرار دهند تا والدین آن‌ها را تکمیل نمایند. برای تعیین روایی در مجموع از نظریات ۱۰ نفر از تعدادی از مدیران مدارس، افراد صاحب نظر و متخصص و تنی چند از معلمان با سابقه و در نهایت استاد راهنما و مشاور بهره گرفته شد و پس از اعمال اطلاعات تأیید شد. منظور از روایی سنجش میزان تناسب سوالات تدوین شده با اهداف پژوهش بود که برای تأیید آن سوالات به صورت چک لیست تدوین و پس از بررسی عمیق زیر مؤلفه‌های اصلی استخراج و پرسشنامه آموزش خانواده با ۵ سوال و پرسشنامه تفکر انتقادی با ۳۲ سوال تدوین و در نهایت توسط استاد راهنما و مشاور تأیید شد. برای سنجش پایایی نیز، نسخه اولیه پرسشنامه در بین ۳۰ نفر از افراد جامعه توزیع شد، و ضریب آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب برای پرسشنامه آموزش خانواده و تفکر انتقادی به شرح جدول زیر محاسبه و تأیید شد.

جدول شماره ۱. پایایی ابزار

نام پرسشنامه	آلفای کرونباخ	تعداد سوالات
آموزش خانواده	۰/۸۷۳	۵
تفکر انتقادی	۰/۸۱۲	۳۲

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی که شامل جدول توزیع فراوانی و درصد و نسبت‌های توزیع نمایش هندسی و تصویری توزیع اندازه‌های گرایش به مرکز اندازه‌های پراکنندگی شاخص‌های میانگین، میانه، نما و آمار استنباطی که شامل آزمون t گروه‌های مستقل و آزمون کولموگروف اسمیرنوف، استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

سوال اصلی: تا چه اندازه برنامه‌های آموزش خانواده بر تقویت تفکر انتقادی دانش آموزان تأثیر دارد؟
برای پاسخ به سوال فوق از آزمون t گروه‌های مستقل به شرح جدول زیر استفاده شد؛

جدول شماره ۲. آزمون t مستقل

آزمون t مستقل						آزمون لون		سطح برابری واریانس ها
فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵	تفاوت از انحراف معیار	تفاوت میانگین ها	سطح معناداری	درجه ازادی	t	سطح معناداری	F	
۱۵/۳۹۸	۲/۵۶۵	۳/۲۶۲	۸/۹۸۱	۰/۰۰۶	۳۵۵	۲/۷۵۳	۰/۲۶۵	سطح برابری واریانس ها
۱۵/۳۷۱	۲/۵۹۲	۳/۲۴۷	۸/۹۸۱	۰/۰۰۶	۳۲۶/۸۰	۲/۷۶۵		سطح برابری واریانس ها

طبق آزمون برابری واریانس ها (آزمون لون) و سطح معناداری مربوط به آن ($p=0.06$) که بزرگ تر از ($p=0.05$) است، واریانس ها با هم برابر می باشند. بنابراین مقدار آماره t در سطح برابری واریانس ها مورد قبول قرار می گیرد که برابر ($t=2.753$) و سطح معناداری آن ($p=0.06$) است. با توجه به این مطلب که سطح معناداری از ($p=0.05$) کوچک تر است، آزمون معنادار می باشد. به عبارت دیگر بین میانگین تفکر انتقادی دانش آموزانی که والدین آنان آموزش خانواده دیده اند، با آن گروه از دانش آموزانی که والدین آن ها آموزش ندیده اند، از لحاظ آماری تفاوت وجود دارد. یعنی می توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش خانواده بر تفکر انتقادی دانش آموزان تأثیر دارد.

جدول شماره ۳. آمار توصیفی میزان تفکر انتقادی دانش آموزان به تفکیک میزان آموزش خانواده والدین

شاخص های آماری	تعداد	میانگین	انحراف از معیار	انحراف از میانگین
آموزش خانواده				
آموزش خانواده دیده اند	۱۷۶	۱۱۵/۵۳۴	۲۵/۳۴۹	۱/۹۱۰
آموزش خانواده ندیده اند	۱۸۱	۱۰۶/۵۵۲	۳۵/۳۳۳	۲/۶۲۶

با توجه به داده های جدول مشاهده می شود که میزان میانگین تفکر انتقادی دانش آموزانی که والدین آن ها آموزش خانواده دیده اند ($115/534$) بیش از میزان میانگین تفکر انتقادی دانش آموزانی است که والدین آن ها آموزش خانواده ندیده اند ($106/552$) و تفاوتی بین دو میزان میانگین مشاهده می شود. با توجه به بزرگ تر بودن میانگین تفکر انتقادی دانش آموزانی که

والدین آن‌ها آموزش برنامه‌های خانواده دیده اند، از میزان میانگین تفکر انتقادی دانش آموزانی که والدین آن‌ها آموزش برنامه‌های خانواده ندیده اند، می توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش خانواده می تواند بر تفکر انتقادی دانش آموزان تأثیر بگذارد .

سوال اول فرعی: تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر خودجهت دهی (شک‌گرایی) دانش آموزان تأثیر دارد؟ برای پاسخ به سوال فوق از آزمون t گروه‌های مستقل به شرح جدول زیر استفاده شد

جدول شماره ۴. آزمون t مستقل

آزمون t مستقل		آزمون لون							
فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵	تفاوت از انحراف معیار	F	سطح معناداری						
بالا	پائین	t	درجه آزادی						
۰/۳۰۵	-۱/۰۸۰	-۰/۳۵۲	-۰/۳۸۶	۰/۲۷۳	۳۵۵	-۱/۰۹۹	۰/۵۷۹	۰/۳۰۹	سطح برابری واریانس‌ها
۰/۳۰۶	-۱/۰۸۰	-۰/۳۵۲	-۰/۳۸۶	۰/۲۷۳	۳۵۱/۸۰	-۱/۰۹۸			سطح ناهمبندی واریانس‌ها

طبق آزمون برابری واریانس‌ها (آزمون لون) و سطح معناداری مربوط به آن ($p=0/579$) که بزرگ تر از ($p=0/05$) است، واریانس‌ها با هم برابر می باشند. بنابراین مقدار آماره t در سطح برابری واریانس‌ها مورد قبول قرار می گیرد که برابر: ($t=-1/099$) و سطح معناداری آن ($0/273$) است. با توجه به این مطلب که سطح معناداری از ($p=0/05$) بزرگ تر است، آزمون معنادار نمی باشد. به عبارت دیگر بین میانگین خودجهت دهی (شک‌گرایی) دانش آموزان و میزان میانگین آموزش خانواده والدین از لحاظ آماری تفاوت وجود ندارد.

جدول شماره ۵. آمار توصیفی میزان خودجهت دهی دانش آموزان به تفکیک میزان آموزش خانواده والدین

شاخص های آماری آموزش خانواده	تعداد	میانگین	انحراف از معیار	انحراف از میانگین
آموزش خانواده دیده اند	۱۷۶	۲۵/۱۹۳	۳/۴۳۸	۰/۲۵۹
آموزش خانواده ندیده اند	۱۸۱	۲۵/۵۸۰	۳/۲۱۴	۰/۲۳۸

با توجه به داده‌ها مشاهده می‌شود که بین میزان میانگین خودجهت دهی (شک‌گرایی) دانش آموزانی که والدین آن‌ها آموزش خانواده دیده‌اند (۲۵/۱۹۳) و میزان خودجهت دهی (شک‌گرایی) دانش آموزانی که والدین آن‌ها آموزش خانواده ندیده‌اند (۲۵/۵۸۰) تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش خانواده بر خودجهت دهی (شک‌گرایی) دانش آموزان تأثیر نمی‌گذارد. یافته‌ها نشان داد که از نظر والدین شرکت‌کننده در پژوهش، محتوای دوره‌های آموزش خانواده، بر میزان خودجهت دهی (شک‌گرایی) دانش آموزان تأثیر ندارد، بر اساس داده‌های گردآوری شده از گروه نمونه و شاخص‌های آماری می‌توان بیان داشت که برنامه آموزش خانواده بر خودجهت دهی (شک‌گرایی) دانش آموزان تأثیر ندارد.

سوال دوم فرعی: تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر ارزشیابی (استدلال‌گرایی) دانش آموزان تأثیر دارد؟

برای پاسخ به سوال فوق از آزمون t گروه‌های مستقل به شرح جدول زیر استفاده شد؛
جدول شماره ۶. آزمون t مستقل

جدول ۴-۱۴: آزمون t مستقل

آزمون t مستقل				آزمون لون		F	سطح معناداری	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین ها	تفاوت از انحراف معیار	فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵	
پایین	بالا	پایین	بالا											
۱/۹۱۰	۰/۱۴۳	۰/۴۴۹	۱/۰۲۷	۰/۰۲۳	۳۵۶	۲/۲۸۵	۰/۲۸۲	۱/۱۶۳	سطح برابری واریانس ها					
۱/۹۰۹	۰/۱۴۴	۰/۴۴۸	۱/۰۲۷	۰/۰۲۳	۳۵۳/۸۹	۲/۲۸۸			سطح نا برابری واریانس ها					

طبق آزمون برابری واریانس‌ها (آزمون لون) و سطح معناداری مربوط به آن ($p=۰/۲۸۲$) که بزرگ‌تر از ($p=۰/۰۵$) است، واریانس‌ها با هم برابر می‌باشند. بنابراین مقدار آماره t در سطح برابری واریانس‌ها مورد قبول قرار می‌گیرد که برابر ($t=۲/۲۸۵$) و سطح معناداری آن ($p=۰/۰۲۳$) می‌باشد. با توجه به این مطلب که سطح معناداری از ($p=۰/۰۵$) کوچک‌تر است، آزمون معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر بین میانگین ارزشیابی (استدلال‌گرایی) دانش آموزان و میزان آموزش خانواده والدین از لحاظ آماری تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۷. آمار توصیفی میزان استدلال‌گرایی دانش آموزان به تفکیک میزان

آموزش خانواده

شاخص های آماری آموزش خانواده	تعداد	میانگین	انحراف از معیار	انحراف از میانگین
آموزش خانواده دیده اند	۱۷۶	۲۵/۱۸۱	۴/۰۶۱	۰/۳۰۶
آموزش خانواده ندیده اند	۱۸۱	۲۴/۱۵۴	۴/۴۱۶	۰/۳۲۸

با توجه به داده‌های جدول مشاهده می شود که میزان میانگین استدلال گرایی دانش آموزانی که والدین آن‌ها آموزش خانواده دیده‌اند (۲۵/۱۸۱) بیش از میزان میانگین استدلال گرایی دانش آموزانی است که والدین آن‌ها آموزش خانواده ندیده‌اند (۲۴/۱۵۴) و تفاوتی بین دو میزان میانگین مشاهده می شود. با توجه به بزرگ تر بودن میانگین استدلال گرایی دانش آموزانی که والدین آن‌ها آموزش برنامه‌های خانواده دیده‌اند، از میزان میانگین استدلال گرایی دانش آموزانی که والدین آن‌ها آموزش برنامه‌های خانواده ندیده اند، می توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش خانواده بر استدلال گرایی دانش آموزان تأثیر می گذارد.

سوال سوم فرعی: تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر خودتنظیمی (خودکنترلی) دانش آموزان تأثیر دارد؟

برای پاسخ به سوال فوق از آزمون گروه‌های مستقل به شرح جدول زیر استفاده شد:

جدول شماره ۸. آزمون t مستقل

آزمون t مستقل					آزمون لون		F	سطح برابری واریانس ها
فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵	تفاوت از انحراف معیار	تفاوت میانگین ها	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری		
۰/۹۵	۰/۱۸۰۲	۰/۴۶۸	۱/۷۲۴	۰/۰۰۰	۳۵۶	۳/۶۷۷	۰/۲۸۱	۱/۱۱۶
بالا	پائین							
۲/۶۴۶								
۲/۶۴۷	۰/۱۸۰۰	۰/۴۶۹	۱/۷۲۴	۰/۰۰۰	۳۵۰/۷۰	۳/۶۷۳		سطح نا برابری واریانس ها

طبق آزمون برابری واریانس ها (آزمون لون) و سطح معناداری مربوط به آن ($p=0/281$) که بزرگ تر از ($p=0/05$) است، واریانس‌ها با هم برابر می باشند. بنابراین مقدار آماره t در سطح برابری واریانس‌ها مورد قبول قرار می گیرد که برابر ($t=3/677$) و سطح معناداری آن ($p=0/000$)

می باشد. با توجه به این مطلب که سطح معناداری از $(p=0/05)$ کوچک تر است، آزمون معنادار می باشد. به عبارت دیگر بین میانگین خود تنظیمی (خود کنترلی) دانش آموزان و میزان آموزش خانواده والدین از لحاظ آماری تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۹. آمار توصیفی میزان خود کنترلی دانش آموزان به تفکیک میزان آموزش خانواده والدین

شاخص های آماری آموزش خانواده	تعداد	میانگین	انحراف از معیار	انحراف از میانگین
آموزش خانواده دیده اند	۱۷۶	۲۵/۸۱۲	۴/۶۱۱	۰/۳۴۷
آموزش خانواده ندیده اند	۱۸۱	۲۴/۰۸۸	۴/۲۴۴	۰/۳۱۵

با توجه به داده های جدول مشاهده می شود که میزان میانگین خود کنترلی دانش آموزانی که والدین آن ها آموزش خانواده دیده اند $(۲۵/۸۱۲)$ بیش از میزان میانگین خود کنترلی دانش آموزانی است که والدین آن ها آموزش خانواده ندیده اند. $(۲۴/۰۸۸)$ و تفاوتی بین دو میزان میانگین مشاهده می شود. با توجه به بزرگ تر بودن میانگین خود کنترلی دانش آموزانی که والدین آن ها آموزش برنامه های خانواده دیده اند، از میزان میانگین خود کنترلی دانش آموزانی که والدین آن ها آموزش برنامه های خانواده ندیده اند، می توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش خانواده می تواند بر خود کنترلی دانش آموزان تاثیر بگذارد.

سوال چهارم فرعی: تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر پرسشگری (جست و جوگری) دانش آموزان تاثیر دارد؟

جدول شماره ۱۰. آزمون t مستقل

آزمون t مستقل					آزمون لون		فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵	
تفاوت از انحراف معیار	تفاوت میانگین ها	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F		پایین
۰/۵۵۹	۴/۱۷۰	۰/۰۰۰	۳۵۵	۷/۴۵۳	۰/۶۷۲	۰/۱۷۹	۳/۰۶۹	
۰/۵۵۹	۴/۱۷۰	۰/۰۰۰	۳۵۳/۶۶	۷/۴۵۰			۳/۰۶۹	

طبق آزمون برابری واریانس‌ها (آزمون لون) و سطح معناداری مربوط به آن ($p = 0/672$) که بزرگ تر از ($p = 0/05$) است، واریانس‌ها با هم برابر می باشند. بنابراین مقدار آماره t در سطح برابری واریانس‌ها مورد قبول قرار می گیرد که برابر ($t = 7/453$) و سطح معناداری آن ($p = 0/000$) می باشد. با توجه به این مطلب که سطح معناداری از ($p = 0/05$) کوچک تر از آزمون معنادار می باشد. به عبارت دیگر بین میانگین پرسش گری (جست و جوگری) دانش آموزان و میزان آموزش خانواده والدین از لحاظ آماری تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱۱. آمار توصیفی میزان پرستشگری دانش آموزان به تفکیک میزان آموزش خانواده والدین

شاخص های آماری آموزش خانواده	تعداد	میانگین	انحراف از معیار	انحراف از میانگین
آموزش خانواده دیده اند	۱۷۶	۲۸/۱۶۴	۵/۳۷۴	-۰/۴۰۵
آموزش خانواده ندیده اند	۱۸۱	۲۳/۹۹۴	۵/۱۹۷	-۰/۳۸۶

با توجه به داده‌های جدول مشاهده می شود که میزان میانگین پرستشگری (جست و جوگری) دانش آموزانی که والدین آن‌ها آموزش خانواده دیده‌اند ($28/164$) بیش از میزان میانگین پرستشگری (جست‌وجوگری) دانش آموزانی است که والدین آن‌ها آموزش خانواده ندیده‌اند ($23/994$) و تفاوتی بین دو میزان میانگین مشاهده می شود. با توجه به بزرگ تر بودن میانگین پرستشگری (جست و جوگری) دانش آموزانی که والدین آن‌ها آموزش برنامه‌های خانواده دیده‌اند، از میزان میانگین پرستشگری (جست و جوگری) دانش آموزانی که والدین آن‌ها آموزش برنامه‌های خانواده ندیده‌اند، می توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش خانواده بر پرستشگری (جست و جوگری) دانش آموزان تأثیر می گذارد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های به دست آمده از آمار توصیفی می توان بحث و تفسیر داشت که از میان ۳۵۷ نفر والدین تحت آزمون بر اساس داده‌های گردآوری شده از گروه نمونه و شاخص‌های آماری پرسشنامه برنامه‌های آموزش خانواده می توان نتیجه گرفت که:

- با توجه به داده‌ها بیشترین فراوانی میزان مطالعه والدین از مجلات پیوند آموزش خانواده

معادل ۶۱٪ مربوط به والدینی که اصلاً در طول هفته به مطالعه مجلات پیوند آموزش خانواده نمی پردازند و با توجه به اهمیت مجله پیوند خانواده برای والدین می بایست در زمینه آگاهی و ایجاد رغبت آنان برای مطالعه مجله پیوند خانواده روش‌هایی اتخاذ شود.

- با توجه به داده‌ها بیشترین فراوانی میزان مطالعات جانبی آموزش خانواده در طول هفته مربوط به والدینی است که بین ۱ الی ۵ ساعت معادل ۶۵٪ در طول هفته به مطالعات جانبی مربوط به مسایل خانواده می پردازند که می بایست میزان آگاهی آن‌ها در رفتار با فرزندان مناسب و بالا باشد؛ در حالی که شواهد این امر را تأیید نمی کند. با توجه به یافته‌های به دست آمده از آمار توصیفی می توان بحث و تفسیر داشت که از میان ۳۵۷ نفر والدین تحت آزمون بر اساس داده‌های گردآوری شده از گروه نمونه و شاخص‌های آماری پرسشنامه تفکر انتقادی می توان نتیجه گرفت که بیشترین میزان میانگین در بین سؤالات به گویه شماره ۷ با (۴/۴۴) و کمترین میزان آن نیز با (۳/۲۷) به گویه شماره ۱ تعلق دارد. به عبارت دیگر در میان گویه‌های پرسشنامه گویه شماره ۷ که همان نقش آموزش‌های خانواده بر روشنفکری فرزندان و گشایش دید آنان نسبت به مسائل پیرامون بیشترین اهمیت و گویه شماره ۱ که همان ایجاد ابهام برای فرزندان به واسطه آموزش‌های خانواده کمترین اهمیت را در بین گویه‌ها داراست. بنابراین بیشترین میزان میانگین در بین مؤلفه‌های تفکر انتقادی با (۲۶/۰۵) به مؤلفه پرسشگری و کمترین میزان آن نیز با (۲۴/۶۶) به مؤلفه استدلال‌گری اختصاص دارد. یعنی از نظر والدین دانش آموزان شهر تهران، آموزش‌های خانواده بیشترین نقش را بر مؤلفه پرسشگری و کمترین نقش را بر مؤلفه استدلال‌گری تفکر انتقادی دارد. با توجه به میزان میانگین مؤلفه‌ها می توان ترتیب اهمیت آن‌ها را به شرح زیر نام برد:

۱- مؤلفه پرسشگری

۲- مؤلفه خود جهت دهی

۳- مؤلفه خود کنترلی

۴- مؤلفه استدلال‌گری

- با توجه به یافته‌های حاصل از آمار استنباطی هر یک از سوالات پژوهش در مقایسه با یافته پیشینه‌های ذکر شده به شرح زیر بحث و تفسیر می شود.

سؤال اصلی تحقیق مبنی بر این که تا چه اندازه برنامه‌های آموزش خانواده بر تقویت تفکر انتقادی دانش آموزان تأثیر دارد؛ که نتیجه آزمون نشان داد که بین برنامه‌های آموزش خانواده و تفکر انتقادی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد. یعنی برنامه آموزش خانواده بر تفکر

انتقادی دانش آموزان تأثیر می‌گذارد، با یافته عباسی نیا (۱۳۸۱) مطابقت و همخوانی دارد. سؤال فرعی یکم مبنی بر این که تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر خود جهت دهی (شک‌گرایی) دانش آموزان تأثیر دارد؛ که یافته‌ها نشان داد که از نظر والدین شرکت‌کننده در پژوهش، محتوای دوره‌های آموزش خانواده، بر میزان خود جهت دهی (شک‌گرایی) دانش آموزان تأثیر ندارد؛ یعنی برنامه آموزش خانواده بر خود جهت دهی (شک‌گرایی) دانش آموزان تأثیر ندارد. این یافته با نتایج فقهی (۱۳۸۵) مطابقت و همخوانی دارد.

سؤال فرعی دوم مبنی بر این که تا چه اندازه برنامه‌های آموزش خانواده بر ارزشیابی (استدلال‌گری) دانش آموزان تأثیر دارد؛ که یافته‌ها نشان داد که از نظر والدین شرکت‌کننده در پژوهش، محتوای دوره‌های آموزش خانواده، بر میزان ارزشیابی (استدلال‌گری) دانش آموزان تأثیر دارد. یعنی برنامه آموزش خانواده بر ارزشیابی (استدلال‌گری) دانش آموزان تأثیر می‌گذارد و با پژوهش موسوی زاده (۱۳۸۱) همخوانی دارد.

سؤال فرعی سوم مبنی بر این که تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر خود تنظیمی (خودکنترلی) دانش آموزان تأثیر دارد؛ که یافته‌ها نشان داد که از نظر والدین شرکت‌کننده در پژوهش، محتوای دوره‌های آموزش خانواده، بر میزان خود تنظیمی (خودکنترلی) دانش آموزان تأثیر دارد. یعنی برنامه آموزش خانواده بر خود تنظیمی (خودکنترلی) دانش آموزان تأثیر می‌گذارد. در پژوهش حسن پور (۱۳۸۷) نیز مورد توجه قرار گرفته است.

سؤال فرعی چهارم مبنی بر این که تا چه اندازه برنامه آموزش خانواده بر پرسشگری (جست‌و‌جوگری) دانش آموزان تأثیر دارد؛ که یافته‌ها نشان داد که از نظر والدین شرکت‌کننده در پژوهش، محتوای دوره‌های آموزش خانواده، بر میزان پرسشگری (جست‌و‌جوگری) دانش آموزان تأثیر دارد. یعنی برنامه آموزش خانواده بر پرسشگری (جست‌و‌جوگری) دانش آموزان تأثیر می‌گذارد. نتایج با پژوهش صفدری بها (۱۳۸۶) همسو بوده است.

پیشنهادهای کاربردی

۱. چون در این بررسی مشخص شد که برنامه آموزش خانواده بر تقویت تفکر انتقادی دانش آموزان تأثیر دارد، بنابراین به مسوولان آموزش و پرورش و انجمن اولیاومریمان پیشنهاد می‌شود: الف: آموزش تفکر انتقادی جزء سر فصل‌های آموزش خانواده قرار بگیرد و روش‌های مؤثر در ایجاد تفکر انتقادی به نحو مقتضی در برنامه‌های آموزش خانواده در نظر گرفته شود و به افزایش و بهبود تفکر انتقادی دانش آموزان توجه شده و فرآیند آموزش بر اساس آن ارائه گردد.

ب: با توجه به ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی برای کاربردی کردن و بهره‌گیری از این موارد در کلاس آموزش خانواده و آشنایی با روش‌های تدریس متناسب با این رویکرد... نیازمند تحقیق بیشتر و برنامه ریزی دقیق‌تر است؛ بنابراین ضرورت دارد که مراکز برنامه ریزی و تولید مواد آموزشی مراکز آموزش خانواده از طریق شوراها و کمیته‌های برنامه ریزی تفکر انتقادی را در اهداف و محتوای دروس گوناگون آموزش خانواده قرار دهند و برنامه‌های درسی آموزش خانواده را متناسب با ظرفیت فکری والدین و نیازهای آنان و فرزندانشان مبتنی بر تفکر انتقادی طراحی کنند.

ج: برای آشنایی و تعلیم مدرسان آموزش خانواده با روش تدریس تفکر انتقادی به والدین، دوره‌های تربیت مدرس آموزش خانواده شیوه‌های نوین و کارآمد را به مدرسان آموزش خانواده آموزش دهند و برای سایر استادان دوره‌های ضمن خدمت برگزار کرده و اطلاعات لازم را ارائه نمایند.

د: با توجه به نیازهای روز و اهمیت موضوع تفکر انتقادی به منزله یک ضرورتی انکارناپذیر در برنامه‌های آموزش خانواده توجه شود و سر فصل‌های آموزش خانواده مورد بازنگری قرار بگیرد. ۲. با توجه به یافته‌های پژوهش مدرسان آموزش خانواده ارزشیابی را که یکی از زیر مؤلفه‌های تفکر انتقادی است، به والدین آموزش دهند تا موارد زیر را در مورد فرزندان خود به کار گیرند.

ایجاد فرصت‌های ارزشیابی در مسائل، خودداری از استدلال از روی هیجان (شادی)، خودداری از استدلال از روی هیجان (ترس)، دلیل آوردن به طور قیاسی در برابر مسائل، دلیل آوردن به طور استقرایی در برابر مسائل، پرهیز کردن از قضاوت‌های ناگهانی، توانایی درک مسائل پیرامون، توانایی تفکر همه جانبه و متقابل نسبت به مسائل، پرهیز از قضاوت‌های باتعصب و لجبازی.

۳. با توجه به یافته‌های پژوهش مدرسان آموزش خانواده خود تنظیمی را که یکی از زیر مؤلفه‌های تفکر انتقادی است، به والدین آموزش دهند تا موارد زیر را در مورد فرزندان خود به کار گیرند. توانایی قدرت تشخیص (تمییز) درست از نادرست، پیدا کردن دیدگاه خود محورانه نسبت به مسائل، ایجاد فرصت‌های خود آگاهی از رفتار خود، ایجاد روحیه خود تنظیمی، ایجاد روحیه خود کنترلی، توانایی پرداختن به کل و جز به طور همزمان.

۴. با توجه به یافته‌های پژوهش مدرسان آموزش خانواده پرسشگری را که یکی از زیر مؤلفه‌های تفکر انتقادی است، به والدین آموزش دهند تا موارد زیر را در مورد فرزندان خود به کار گیرند. اجازه سؤال پرسیدن، ایجاد روحیه پرسشگری، ایجاد فرصت‌های تحلیل کردن، توجه داشتن به نحوه کاربرد اطلاعات، تجزیه و تحلیل کردن وقایع و حوادث پیش آمده، ایجاد کردن فرصت‌هایی

برای نوآوری و خلاقیت و کنجکاوی، ایجاد کردن روحیه پرسشگری.

مشکلات و محدودیت‌های پژوهش

۱. دشواری توزیع پرسشنامه در بین والدین شرکت کننده در کلاس‌های آموزش خانواده
۲. همکاری ضعیف مسوولان آموزش و پرورش جهت دادن مجوز جهت توزیع پرسشنامه‌ها در جلسات
۳. دسترسی نداشتن به بعضی از جلسات آموزش خانواده
۴. ناهماهنگی بین ساعات اعلام شده (همزمان برگزار شدن جلسات در بیشتر مدارس)
۵. دسترسی نداشتن به تمامی جلسات آموزش خانواده به دلیل پراکندگی مدارس
۶. بی‌انگیزه بودن برخی از والدین جهت پاسخگویی به سوالات پرسشنامه.
۷. فرهنگ ضعیف پژوهشی در بین والدین و مسوولان مدارس.
۸. عدم توانایی در کنترل همه عوامل مزاحم در فرایند تحقیق ممکن است جزء محدودیت‌های تحقیق باشد و نتایج به دست آمده را تحت تأثیر قرار دهد. این عوامل عبارتند از:
۹. عوامل اقتصادی و فرهنگی و ویژگی‌های فردی و شخصیتی و سایر متغیرهای مداخله‌گر که بر والدین و دانش آموزان مؤثر هستند، از کنترل محقق خارج بوده است.
۱۰. عدم توانایی و امکان در یکسان سازی شیوه تدریس مدرسان آموزش خانواده و روش تدریس آن در طول دوره تحقیق قابل کنترل نبوده است.

منابع

- حسن پور، جعفر (۱۳۸۷). علوم اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.
- سلیمانی، محمود. (۱۳۸۸). خانواده و رفتار با فرزندان: آنچه باید خانواده‌ها برای خود و فرزندان بدانند. مشهد، اعتماد.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۲). روان شناسی پرورشی. تهران: آگاه، چاپ هشتم.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۰). نقد و خلاقیت در تفکر، تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صفدری بهاء، محمد. (۱۳۸۶). «عوامل موثر در جذب والدین به کلاس‌های آموزش خانواده از دیدگاه والدین و مدرسان آموزش خانواده در شهرستان همدان»، پایان نامه کارشناسی ارشد

- دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- عباسی، عفت (۱۳۸۰). «بررسی مهارت‌های مؤثر بر پرورش تفکر انتقادی در برنامه ریزی درسی جامعه شناسی در دوره متوسطه، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت معلم.
- عباس نیا، محمد (۱۳۸۱). «بررسی میزان تاثیر آموزش خانواده بر افزایش آگاهی والدین نسبت به تربیت فرزندان شان در دوره ابتدایی شهر قم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی
- فقهی، فاطمه. (۱۳۸۵). «بررسی تاثیر آموزش خانواده در تغییر نگرش مادران نسبت به رفتار با فرزندان در مدارس راهنمایی دخترانه شهرستان بهبهان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- مایرز، چت (۲۰۰۰). آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدیار ایلی (۱۳۸۰) تهران: انتشارات سمت.
- موسوی زاده، محمد (۱۳۸۱). «بررسی میزان اثربخشی کلاس‌های آموزش خانواده در استان اردبیل و عوامل مؤثر بر آن»، تهران.
- نصری، صادق (۱۳۸۴). «بررسی دیدگاه‌ها و نگرش‌های والدین دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی در خصوص کلاس‌های آموزش خانواده در شهر تهران»، فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۱، سال دوم.
- Explaining Hom Education: Parents Accounts of their Decisions to Teach Their Own children». Journal Artic, Research Report. (۲۰۱۱). Gavinton
- Urbanreview, V ۱۹, ۱۶۷-۳: ۱۷۷.
- Evaluation of life skills training and infused – life skills» (۲۰۱۰). Golendan
- 11: (training in a rural setting outcomes at two years.» Journal of alcohol & drug) (۱۹۹۹). Goldenberg
- ۴۳۲.p, ۹۸, ۴۵۷۶ «Education
- The inter parental relationship and family (۲۰۰۹). Kotiadamu Joseph
- , ۶۴ problem solving with preadolescent Males- child development. Volume
۱۴۰۰. pp: ۵. No
- free Adult Education classes. Technical college Adult.. (۲۰۱۰) Marya Manes
- Meridian Street North .Huntsville: ۳۴۲۱. Divector of Adult Education
- ۳۵۸۱: AL